

منابع و مآخذ مورد استفاده قضایی در عمده المجالس قضایی

عباس کریمی حاجی خادمی

چکیده

مقاله‌ی حاضر به دنبال آن است منابعی که تعزیه نویسان میناب از آن بهره برده‌اند معرفی نماید. یکی از مهمترین منابع تعزیه نویسان میناب که در واقع مادر نُسخ تعزیه‌ی حال حاضر میناب محسوب می‌شود کتاب عمده المجالس من کلام قضایی است که تعزیه‌ی میناب و به طور کلی اساس تعزیه‌ی هرمزگان به شمار می‌رود. نیز آنچه تعزیه سرایان و به خصوص مرحوم قضایی درسروتن اشعار تعزیه استفاده نموده، معرفی شده است. نگارنده در این پژوهش از روش میدانی، کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل یافته‌ها بهره برده و بر آن است میزان اعتبار منابع را از لحاظ تاریخی بررسی نماید.

کلید واژگان: منابع، تعزیه، نُسخ، میناب، عمده المجالس، قضایی

✱ دکترای تاریخ دانشگاه تهران [Mohammad.hassannia@yahoo.com](mailto: Mohammad.hassannia@yahoo.com)

مقدمه

درباره ی تاریخ عاشورا و به ویژه عزاداری و مقتل کتاب های بسیاری در طول تاریخ نگاشته شده است که این خود نشان از اهتمام عالمان و محققان شیعی بدین مسئله دارد. این منابع در اعتبار و دقت در نقل و تحلیل یکسان نیستند و می توان آن هارا به دو دسته ی کلی قابل استناد و ضعیف تقسیم کرد.

منظور از منابع قابل استناد، منابعی هستند که هویت تاریخی داشته و نویسندگان آن ها معتبر، سرشناس و از عالمان روشمند عصر خود بوده اند. هر چند که آن ها را نیز باید با دیده نقد نگریست؛ منابع غیر قابل استناد و ضعیف، منابعی هستند که عمدتاً داستانی، بی پشتوانه ی تاریخی و به عبارتی بدون سند هستند و اخبار گزارش شده در آن ها به شرط یافتن مؤیدات تاریخی و تقویت به وسیله ی دیگر مآخذ قابل پذیرش است.

منابع متعدد و قابل اتکایی از قرون اولیه ی اسلام به دست مارسیده است که به گزارش نهضت عاشورا پرداخته اند. هر چند که این منابع از اعتبار یکسانی برخوردار نیستند. اما همه ی آن ها قابلیت ارجاع و استناد را دارند و به وسیله ی پژوهش های تاریخی روشمند طبق دسته بندی کلی قابل بررسی و پذیرش اند:

۱- الطبقات الکبری، ابن سعد (متوفی ۲۳۰ق)

۲- انساب الاشراف، بلاذری (متوفی ۲۷۹ق)

۳- اخبار الطوال، دینوری (متوفی ۲۸۳ق)

۴- تاریخ طبری، محمد بن جریر طبری (متوفی ۳۱۰ق)

۵- الفتوح، ابن اعثم کوفی (متوفی حدود ۳۱۴ق)

۶- مقاتل الطالبیین، ابوالفرج اصفهانی (متوفی ۳۵۶ق)

۷- معجم الکبیر طبرانی (متوفی ۳۶۰ق)

۸- شرح الاخبار، قاضی نعمان (متوفی ۳۶۳ق)

۹- امالی، شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱ق)

۱۰- ارشاد، شیخ مفید (متوفی ۴۱۳ق)

۱۱- مقتل الحسین، خوارزمی (متوفی ۵۶۸)

حادثه ی عاشورا از پیشامدهای شگفت تاریخ است. قهرمانانی اندک که در برابر خیل عظیم جنگجویان سفاک و بی رحم تا واپسین لحظات حیات و آخرین قطرات خون خود مقاومت کردند و از همه چیز در راه حق گذشتند. این مقاومت شجاعانه و فداکاری قهرمانانه، از آغازین لحظه های پیدایش، در درازای تاریخ و تاکنون چشم ها را خیره و دل ها را متوجه خود کرده است و زبان ها و قلم ها را به سوی ترسیم این همه شجاعت و دلاوری و حق آوری کشیده است. تاریخ نگاران و مقتل نویسندگان از نخستین کسانی بودند که به گزارش این واقعه و بسیاری از رخداد های پیرامون آن و حتی حادثه های جزئی آن پرداختند. حتی آن دسته از مورخان حکومتی که جیره خوار امویان بودند نتوانستند آفتاب دلاوری ها و رشادت ها و حماسه سرایی های این تعداد به ظاهر اندک و به باطن با همه ی انسانیت برابر را نادیده و یا آن را زیر ابر تیره گیرند. کتاب های تاریخ، سیره و مقاتل چه در میان مسلمانان و فرق مختلف آن و حتی غیر مسلمانان واقعه ی عاشورا را به عنوان یک نقطه ی عطف و یک رخداد مسلم گزارش کرده اند و ارکان و وقایع اصلی آن از

مشهورات، متواترات و قطعیات تاریخی است. اما تفصیل‌ها و جزئیات آن مانند هر واقعه‌ی تاریخی دیگری با تفاوت‌هایی در نقل‌ها و یا کاستی‌ها و مبالغه‌هایی قابل انتظار همراه بوده است. این در حالی است که با گذشت زمان و دور تر شدن از اصل واقعه انتظار تغییر و تحریف بیشتر می‌شود؛ نکته‌ای که قاعده‌ل‌زوم مراجعه به منابع کهن و نزدیک تر به حادثه‌ی تاریخی را مدلل می‌سازد. منابع کهن تاریخی و سیره‌نگاری چنان دقیق و با تفصیل به عاشورا و کربلا پرداخته‌اند که غرض ورزی‌ها، اشتباهات و کم‌دقتی‌های هم‌زاد انسان را به آسانی نشان می‌دهد.

حال باید دید منابع تعزیه در میناب شامل کدام دسته از منابع تاریخی است آیا از منابع معتبر و قابل استناد استفاده شده است یا از منابع ضعیف و داستانی و غیر قابل اعتماد؟ آیا از منابع متقدم تاریخی هستند یا از منابع متأخر؟ تا چه میزان می‌توان به منابع استفاده شده در آن اعتماد کرد؟

منابع تعزیه نویسان میناب

تعزیه نویسان بعد از قضایی غالباً از روی اشعار قضایی رو نویسی نموده و کمتر به سرودن اشعار جدید پرداخته‌اند. تعزیه سرایان پیش از او نیز از قبیل ملا مسیحای مینابی، ملا بحرانی، ملا ثانی، ملا محب علی منوجانی منابع خود را ذکر نکرده‌اند (کریمی، ۱۳۸۹: ۳۸۶). چنان‌چه قضایی در عمده‌المجالس خود می‌نویسد: «مجلس شهادت وهب به روایت حاج مهدی نراقی صاحب مُحرق القلوب گفته شده، بعضی به روایت صاحب جلاء العیون که آخوند مجلسی باشد. از خود ساخته نیست. آن اوقاتی که مرحوم ملا مسیحا و دیگران اختراع از خود روایت می‌کردند و می‌گفتند: کوک تعزیه آن الحمدالله برداشته شده و نیست و اگر باشد در جاهایی که خبر از احادیث و روایات ندارند و آن‌ها از شعرای مشهوره نیست. به این سبب اگر چیزی از خود اختراع بکنند دست عالمی و فقیه‌ی به او نمی‌رسد و حقیر اگر چه کمتر از همه ام، لیکن علماء حقیر را می‌شناسند و می‌توانند... گله کرده باشند. زیاده حقیر احتیاط در مجلس گفتن دارد. لازمه داشت عرض شود تا نکته‌گیری نکنند فلانی مجلس بندی نمی‌داند. مطالب این بود که عرض شد.» (قضایی: مجلس شهادت وهب) به منظور ارائه‌ی تصویری روشن از منابع تعزیه نویسان میناب، کتاب عمده‌المجالس من کلام قضایی علیایی مینابی که از مهم‌ترین منابع این عرصه است در ابتدا معرفی خواهد شد.

عمده‌المجالس من کلام قضایی

نویسنده‌ی کتاب ملا حسین علی قضایی مینابی (قرن ۱۳هـ.ق) یکی از روحانیون تحصیل کرده نجف اشرف است. او کتاب را در دو جلد قطور تنظیم کرده و مجالس متعددی از ماه‌های محرم، صفر و رمضان را در آن قرار داده است.

کتاب به صورت نسخه‌ی خطی است و صفحه بندی نشده و با خط زیبای مؤلف نگاشته شده است. (البته کسانی هستند که آن را رونویسی کرده‌اند.) مجالس تعزیه در آن به شکل منظوم است، البته از مطالب منشور نیز بی‌بهره نیست؛ نویسنده در جاهایی از کتاب به موارد متفرقه‌ای همچون اصلاح تعزیه‌ی میناب، شاعران گذشته‌ی میناب، مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... اشاره کرده است. (قضایی: غالباً ابتدا و انتهای هر مجلس)

قضایای در پایان هر مجلس، تاریخ کتابت و درجهایی حتی زمان دقیق سرودن اشعار را ذکر کرده است. چنانچه در پایان مجلس روز عاشورا می نویسد: «تمام شد مجلس قتل در سنه ۱۲۷۹ عصر روز دوشنبه در ملاجماتی ۲۷ شهر ذی الحجه الحرام گفتن آن و نوشتن آن و نسخه کردن آن از روی مسووده اختتام یافت ظهر جمعه در قضایای آباد ۲۲ شهر ذی القعدة الحرام سنه ۱۲۸۰ من کلام قضایای علیایی». (همان، پایان مجلس قتل)

کتاب عمده المجالس وقف حسینیه ی روستای نصیری میناب شده است و نویسنده در بیشتر صفحات کلمه ی «وقف را در بالا و یا پایین آن آورده است» وقف نامه ایی نیز همراه کتاب وجود داشت که بسیار پوسیده و پاره پاره و بسیاری از قسمتهای آن توسط موربانه از بین رفته بود. وقف نامه توسط نگارنده و غلام سلمانی پور از پیشکشوتان و نسخه نویسان تعزیه در روستای نصیری به هم پیوند زده شد. اما با این وجود مطالب باقی مانده در آن بسیار ناقص است.

جلدهای محافظ صفحات کتاب وصفحات اولیه ی آن از بین رفته است و اوراق آن اسیدی و بسیار فرسوده شده است. از دو جلد عمده المجالس، یک جلد صفحات آن سالم است. اما دیگری از هجوم موربانه ها در امان نمانده و قسمت قابل توجهی از آن از بین رفته است که نیاز به ترمیم دارد. «کرمی: ۱۳۸۹: ۳۷۷» می توان با کمک نسخ دیگری که نسخه نویسان از آن رونویسی کرده اند به ترمیم آن پرداخت. نویسنده غالباً منابعی را که از آن بهره گرفته ذکر نموده است. اما در ابتدای بعضی از مجالس به منابع مورد استفاده اش اشاره کرده است. منابع او متأخرند جز لهوف سید بن طاووس (متوفی ۶۶۴ق) که از منابع دوران میانه محسوب می شود. متأسفانه منابع متأخری که ایشان از آن استفاده کرده است به جز مجالس المؤمنین شوشتری، بسیار مخدوش و از لحاظ تاریخی بی سند و غیر معتبرند و از این لحاظ به ارزش کتاب او لطمه وارد کرده است؛ نمونه ای از منابع که قضایای در عمده المجالس خویش از آنان کمک گرفته است به شرح ذیل است:

- ۱- روضه الشهداء، ملاحسین کاشفی (م ۹۱۰ق)
- ۲- اسرار الشهداء، ملافاضل دربندی (م ۱۲۸۵ یا ۱۲۸۶ ق)
- ۳- المنتخب، شیخ فخرالدین طریحی (م ۱۰۸۵ق)
- ۴- طوفان البکا، محمد بن ابراهیم المروی معروف به جوهری (قرن ۱۳)
- ۵- محرق القلوب، حاج مهدی نراقی (م ۱۲۰۹ق)
- ۶- مقتل سید بن طاووس (متوفی ۶۶۴ق)
- ۷- ریاض الشهداء فی ذکر مصائب الساده، محمد حسن قزوینی شیرازی (متوفی ۱۳۴۰ق)
- ۸- مجالس المؤمنین، قاضی سیدنورالله شوشتری (متوفی ۱۰۱۹ق)
- ۹- لسان الواعظین، حاج شیخ محمد علی النجفی الکاظمی (قرن ۱۳ق)
- ۱۰- جلاء العیون، محمد باقر مجلسی (۱۰۲۷-۱۱۱۱)
- ۱۱- حزن المؤمنین، شیخ محمد علی خوانساری (قرن ۱۳)

برای این که ارزش و اعتبار کتابی آشکار شود باید منابع آن را مورد کنکاش و بررسی قرارداد. لذا برای این منظور لازم است به نقد و بررسی اسناد و منابع عمده المجالس قضایای پرداخت تا درجه اعتبار آن

آشکار گردد؛ متأسفانه دیگر تعزیه نویسان منابع خود را ذکر نکرده و بعضاً فقط از قضایی نام برده اند و یا بر اساس محتوای تعزیه ای که قضایی سروده است، مطالبی را تنظیم کرده اند. طبق بررسی های به عمل آمده و مطابق آنچه در متون تعزیه ذکر شده است. می توان ادعا نمود منابع عمده المجالس عمدتاً از منابع متأخرند، جز مقتل سید بن طاووس که از منابع میانه به شمار می آید؛ نظر به اهمیت منابع تعزیه نویسان به بررسی و نقد گزیده ای از آن ها بسنده می شود.

روضه الشهداء

کمال الدین حسین بن علی واعظ کاشفی (م ۹۱۰) مؤلف کتاب مشهور **روضه الشهداء** است. او که گرایش سنی و یا شیعه بودنش به درستی معلوم نیست. برای جذب عوام حوادث تاریخی را - به ویژه حادثه کربلا - با نثری دلپسند به داستان در آورده و در این میان مطالب معتبر و غیر معتبر و مستند و بدون سند را با هم در آمیخت. قصه های جذاب، فارسی بودن و انگیزه ی مؤلف برای خواندن کتاب در مجالس عزا موجب شد تألیف کاشفی نه یک اثر تاریخی، تبلیغی و حتی تخیلی شمرده شود. متأسفانه عدم توجه به این مطلب و قرائت و استنساخ آن - تا آنجا که سخنرانان مجالس سوگواری امام حسین (ع) را «روضه خوان» نامیدند - زمینه ی ورود بسیاری از اطلاعات نادرست این کتاب را به فرهنگ عاشورا فراهم ساخت و در موارد متعددی «زبان حال» جانشین «زبان قال» حماسه سرایان کربلا گشت.

به نظر می رسد از اندیشمندان شیعی اولین کسی که به صراحت از **روضه الشهداء** سخن گفته محدث نوری باشد. او می نویسد: «شبهه ای در کذب آنچه در محرق و قبل از او روضه کاشفی است، نیست.» (نوری طبرسی: ۱۳۵۷: ۱۵۷)

کاشفی کتاب خود را در اواخر عمر خویش تألیف کرده و مربوط به سال ۹۰۸ هجری قمری است، زمانی که از روز شهادت امام حسین (ع) تا تاریخ تألیف این کتاب قریب هشت صد و چهل و هفت سال است (کاشفی: ۱۳۴۱: ۳۵۴)؛ افندی در ریاض از برخی از فوائد میرداماد نقل کرده است که ملاحسین صاحب **روضه الشهداء** را حنفی المذهب دانسته است. (افندی: ۱۴۰۱: ج ۲: ۱۸۶) از زندگینامه ای که خواند میر در تاریخ حبیب السیر برای وی نوشته است غیر شیعه بودن وی فهمیده می شود. (خواند میر: ۱۳۶۲: ج ۴: ۳۴۵)

شهید مطهری درباره ی **روضه الشهداء** در کتاب حماسه حسینی نوشته است. «ملاحسین [کاشفی] مردملاً و با سوادى بوده و کتاب هائی هم دارد و صاحب انوار سهیلی است. تاریخش را که می خوانیم معلوم نیست شیعه بوده یا سنی اساساً مرد بوقلمون صفتی بوده است؛ بین شیعه ها که می رفته خودش را شیعه ی صدرصد و مسلم معرفى می کرده و بین سنی ها که می رفته، خودش را حنفی نشان می داده است. اهل سبزوار است و [در] سبزوار شیعه صدرصد بوده و گاهی به هرات می رفته (شوهر خواهر و یا باجناب عبدالرحمن جامی بوده است). و در آنجا سنی بوده و به روش اهل تسنن واعظ هم بوده؛ ولی تا در سبزوار بود ذکر مصیبت نمی کرد.» (مطهری: ۱۳۶۴: ج ۱: ۵۳)

ایشان اضافه می کند «من نمی دانم این بی انصاف چه کرده است؛ وقتی که این کتاب را خواندم، دیدم حتی اسمها جعلی است؛ یعنی در اصحاب امام حسین اسمهایی را ذکر می کند که اصلاً وجود نداشته اند. در میان دشمنان هم اسمهایی را می گوید که همه جعلی است. داستان ها را به شکل افسانه در آورده است؛...

روضه خوانی یعنی خواندن کتاب روضه الشهداء یعنی خواندن همان کتاب دروغ. از وقتی که این کتاب به دست مردم افتاد، کسی تاریخ واقعی امام حسین را مطالعه نکرد.» (همان: ۵۴)

میرزا عبدالله افندی، همکار عالم و کتاب شناس علامه مجلسی (ره) اکثر روایات این کتاب و بلکه همه‌ی آن را مأخوذ از کتب غیر مشهوره و غیر قابل اعتماد دانسته (افندی: ۱۴۰۱: ج ۲: ۱۹) و سید محسن امین نیز این سخن را مورد تایید قرار داده است. (امین: ۱۴۰۰: ج ۶: ۱۲۲)

اسرار الشهاده

نام کامل کتاب اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات است. مؤلف آن آقا بن عابد دربندی شیروانی مشهور به فاضل دربندی (۱۲۸۵ تا ۱۲۸۶) است. او از نویسندگانی است که افزون بر رشته‌ی تخصصی خودفقه، در دیگر رشته‌ها مانند تاریخ عاشورا نیز کتاب نوشت. او با جمع اخبار قوی و ضعیف و به قصد حل اختلاف و تحلیل آن‌ها یکی از بزرگ‌ترین نگاهشده‌ها را درباره‌ی واقعه‌ی عاشورا سامان داد. او شیفته‌ی امام حسین علیه السلام بود و انگیزه‌ی زیبایی در نگارش این کتاب داشت. اما به دلیل استفاده از اسناد ضعیف در کنار منابع اصلی و نقل برخی گزارش‌های بدون سند نتوانست مقتل معتبری ارائه دهد. او همچنین مبنای نادرستی برگزید و براساس آن از کتاب‌هایی که مشتمل بر اخبار مظنون‌الکذب بودند نیز نقل کرد. مبنای او این بود که نشانه‌های کذب هر چند به درجه‌ی ظن برسد مانع نقل نیست و نقل چنین اخباری در بیان سیره و تاریخ، بی‌اشکال است. (نوری طبرسی: ۱۳۷۵: ۲۵۱)

محدث نوری یکی از منابع ضعیف دربندی را نسخه‌ی بدون سر و ته، مجهول و پر از درد و غمی می‌داند که سید عرب روضه خوانی برای کسب تایید نزد عالمان نجف آورده و سپس به دست دربندی می‌رسد. نسخه‌ای که به گفته‌ی محدث نوری «از کثرت اشتغال برای اکاذیب واضح و اخبار واهی احتمال نمی‌رود که از مؤلفات عالمی باشد.» (همان)

سخن محدث نوری را بسیاری از عالمان دیگر تایید کرده‌اند و بسیاری از نقل‌های نادرست و غیر قابل باور کتاب را به عنوان گواه ارائه کرده‌اند. از این میان می‌توان به میرزا محمد تنکابنی، شیخ ذبیح الله محلاتی، سید محسن امین، میرزا محمد علی مدرسی تبریزی، شیخ آقا بزرگ تهرانی و استاد علامه شهید مرتضی مطهری اشاره نمود.

قابل ذکر است بسیاری از تحلیل‌های نویسنده‌ی کتاب برای قابل پذیرش کردن گزارش‌هایی است که به سادگی قابل قبول نیستند. از جمله، کشته شدن بیست و پنج هزار نفر به دست حضرت عباس و ۲۳۰ هزار نفر به دست امام حسین علیه السلام یا ارائه‌ی لشکری ۱۶۰۰۰۰ نفری برای سپاه عمر سعد و قصه پردازی درباره‌ی چگونگی بیرون آمدن امام حسین علیه السلام از مدینه که به پادشاهان تشبیه کرده است. (دربندی: بی تا: ۳۴۵)

کتاب شناس بزرگ شیعه شیخ آقا بزرگ تهرانی پس از آن که در ذیل مدخل «اکسیرالعبادات فی اسرار الشهادات» از مؤلف و چاپ‌های کتاب سخن می‌گوید در ادامه می‌نویسد: «به آن اسرارالشهداده گفته می‌شود خودش قسمت‌های پایانی آن را به فارسی ترجمه کرده است. به آن «سعادات ناصری» هم گفته می‌شود؛ چرا که آن را به اسم سلطان ناصرالدین شاه ترجمه کرده است که آن هم چاپ گردیده است. از

شدت خلوص و صفای نفسی که داشت در این کتاب اموری را نقل کرده که در کتاب های معتبر یافت نمی شود و او آن ها را فقط از مجموعه های مجهول گرفته است و با اتکا به قاعده تسامح در ادله سُنن این کار را کرده است. غافل از این که به مجرد یافتن در ورق پاره ای یا به خط مجهولی رسیدن روایت صدق نمی کند.» (تهرانی: بی تا: ج ۲: ۲۷۹)

محدث نوری (۱۲۵۴-۱۳۳۰ ق) که خود معاصرا نویسنده ی این کتاب بوده است، می نویسد: «در اخبار ضعیفه بی اصل و مأخذ با این اسباب و وهن، اگر به جهت بعضی از اغراض فاسد مثل کثرت تتبع و اطلاع، آوردن مطالب تازه و برتری برمقائل سابقه آن در کتابی جمع شود مسنایی برای این مذهب پیدا می شود که نتیجه واضح و ثمره ظاهره آن توهین بزرگی بر مذهب و ملت جعفریه خواهد بود و اسباب سخریه و استهزا و خنده به دست مخالفین خواهد داد و موجب خواهد شد که آن ها سایر احادیث و منقولات امامیه را با این اخبار موهونه و قصص کاذب به قیاس کنند. کار به جایی رسید که مخالفان در کتاب های خود نوشتند که شیعه بیست کذب است و اگر کسی منکر شود کافی است که آن ها برای اثبات ادعای خود در این دعوا کتاب اسرار الشهاده را به میدان آورند.» (نوری طبرسی: ۱۳۷۵: ۱۵۷)

شهید مطهری هم اسرار الشهاده را کتاب مجعول و بی اعتبار معرفی کرده که هرگز نباید برای محتوای آن ارزشی قائل شد. ایشان پس از آن که از بی اعتباری کتاب روضه الشهداء کاشفی سخن می گوید، در ادامه از کتاب اسرار الشهاده در بندی نام می برد و می گوید: «در شصت، هفتاد سال پیش مرحوم ملا آقا در بندی پیدا شد. تمام حرف های روضه الشهداء را به اضافه چیزهای دیگری پیدا کرد و همه را یکجا جمع کرد و کتابی نوشت به نام اسرار الشهاده؛ واقعا مطالب این کتاب انسان را وادار می کند که به اسلام بگرید.» (مطهری: ۱۳۶۴: ج ۱: ۵۵)

رسول جعفریان یکی از نویسندگان برجسته ی حوزه و دانشگاه در کتاب تأملی در نهضت عاشورا چنین می نویسد: «در دوره قاجاری کتاب های بی پایه ی زیادی نوشته شد که مهم ترین آن ها از نظر مفصل بودن و دروغ فراوان داشتن، کتاب اسرار الشهاده ملا آقا در بندی است.» (جعفریان: ۱۳۸۴: ۳۱۲)

آیت الله سید احمد حسینی خوانساری مشهور به «صفایی» در این باره می نویسد: «این کتاب معروف و مشهور در میان شیعیان و اهالی منبر و مرثیه است؛ مگر این که در آن غث و سمین (راست و دروغ، سره و ناصره) هردو پیدا می شود و این بر کسی که نقاد در فن حدیث شناسی باشد پوشیده نیست.» (حسینی خوانساری: ۱۴۱۱: ج ۳: ۴۵۸)

المنتخب فی جمع المراثی و الخطب

فخرالدین بن محمد بن علی بن احمد طریحی (م ۱۰۸۵) مؤلف مجمع البحرین، مجموعه ای از احادیث و مراثی درباره ی امام حسین علیه السلام و برخی دیگر از امامان را گرد آورد و به قصد گریاندن مؤمنان و تشویق به سوگواری، آن ها را سامان داد. المنتخب، تاریخ نگاری علمی زندگی یا قیام امام حسین (ع) نیست. اکثر مطالب کتاب بدون ذکر مأخذ آمده است.

ضعف دیگر کتاب، اختلافات موجود در نسخه های متفاوت آن است که می تواند نشانگر تصرفات بعدی در آن باشد. (تهرانی بی تا: ج ۲۲: ۴۲۰)

می داند. (نوری طبرسی: ۱۳۷۵: ۲۸۷) میرزا محمد اشراقی، مسامحات فراوان در آن را گوشزد کرده و روایات مختص آن را معتبر ندانسته است. (اشراقی: ۱۳۷۹: ۶۴)

عبدالرازق موسوی مقرر نیز می نویسد: «هر چه در عروسی قاسم می گویند نادرست است؛ چراکه قاسم به سن بلوغ نرسیده بود و هرگز نص صحیحی نیز در این باره از مورخان نشده است. اما شیخ فخرالدین طریحی با آن عظمت و جلالت در علم، امکان ندارد که چنین داستانی را نوشته باشد و بر کسی روا نیست که در حق او این خرافه را تصور کند. در کتاب او منتخب دست برده اند و این افسانه را داخل آن کتاب کرده اند؛ طریحی آن کس را هیچ وقت نخواهد بخشید.» (موسوی مقرر: ۱۳۹۹: ۲۶۴)

طوفان البکاء

کتاب «طوفان البکاء» در سال ۱۲۶۰ هجری توسط محمد بن ابراهیم المروی معروف به جوهری تألیف شده است. این کتاب در قطع بزرگ وبا چاپ سنگی به صورت منظوم و منثور با حجمی بیش از چهار صد صفحه و دارای ۱۲ فصل است. مهم ترین و مفصل ترین بخش کتاب، بخش ششم، در برگیرنده ی مقتل الحسین است. نویسنده در این بخش نخست کیفیت تولد امام حسین (ع) را بیان کرده و آن گاه به مرگ معاویه و بیرون آمدن امام از مدینه به سمت مکه پرداخته است. آمدن مسلم به کوفه و شهادت مسلم و هانی و شهادت دو طفل مسلم قسمت بعدی کتاب را تشکیل می دهد. بخش بعدی در برگیرنده ی حوادثی است که از خروج امام از مکه تا رسیدن به کربلا اتفاق افتاده است. در بخش یازدهم مؤلف اسامی شهدای کربلا را بیان کرده است. آن گاه کیفیت شهادت اصحاب و یاران و اقوام امام را تک تک شرح داده است.

بخش منظوم کتاب بیشتر از قسمت های منثور آن است که به صورت قصیده، غزل، مثنوی و قطعه بیان شده است. این اشعار و مراثی سوزناک بیش از پیش خواننده را تحت تأثیر قرار می دهد. به همین دلیل وعاظ و اهل منبر به ویژه روضه خوانان به این کتاب عنایت خاصی داشته اند. این کتاب بعد از روضه الشهداءی مرحوم کاشفی یکی از منابع و مأخذ ایشان است.

متأسفانه نویسنده بسیاری از خرافات و افسانه ها را در ضمن کتاب، چه به صورت شعر و چه به شکل نثر جای داده است؛ کتاب به لحاظ سند بسیار ضعیف است و ذکر برخی مسائل مانند «خون چکیدن نخل زراباد قزوین در روز عاشورا»، «به طی الارض رفتن امام حسین (ع) در روز عاشورا از کربلا به هندوستان و نجات سلطان قیس از چنگال شیر» و برخی مطالب بی پایه و اساس دیگر به ارزش کتاب صدمه زده است. (جوهری: ۱۶۷: ۱۳۰۰-۱۶۵)

درواقع آن چه را ملاحسین کاشفی در کتاب روضه الشهداء آغاز کرد و بسیاری پیرایه ها بر نهضت حسینی بست. مرحوم جوهری با اشعار نغز خود کامل کرد و با توجه به تأثیر اشعار بر عوام الناس بسیاری از این تحریفات در بین مردم جاودانه شد؛ اضافه می شود که مرحوم جوهری تا قبل از نگارش این کتاب از شعرای درباری دوران قاجاریه بوده است. (همان: ۲)

مُحَرِّق القلوب

محرِق القلوب نوشته ی ملامهدی نراقی (م. ۱۲۰۹ق) است. او با اقتباس از روضه الشهداء به عرضه مطالبی دست یافت که به گونه ای شورانگیز، عواطف واحساسات مردم را به سوی واقعه ی کربلا سوق دهد، اما چون مأخذ نراقی - روضه الشهداء - کتابی ضعیف ومخلوط از مطالب درست ونادرست بود، نوشته ی او نیز بر اخبار ضعیف وغیر معتبر مشتمل گشت. نراقی خود به ضعیف بودن برخی گزارش های کتابش تصریح کرده است. (نراقی: بی تا: ۲-۳) از این رو مورد انتقاد برخی از عالمان پس از خود قرار گرفته است؛ میرزا محمّد تنکابنی برخی از اخبار آن را مظنون یا مقطوع الکذب دانسته (تنکابنی: بی تا ۱۳۳): و محدّث نوری با ابراز شگفتی از تألیف چنین کتابی از چنان عالم بزرگی، برخی مطالب آن را منکر نامیده است. او می نویسد: « شبهه ای در کذب آنچه در محرق وقبل از او روضه کاشفی است، نیست. » (نوری طبرسی: ۱۳۷۵: ۱۵۷) شهید مطهری نیز نراقی را فقیه بزرگی خوانده ولی او را در تاریخ عاشورا صاحب اطلاع نمی داند و برخی مطالب او را نقد کرده است. (مطهری: ۱۳۶۴: ج ۱: ۲۸)

لهوف سیّد بن طاووس

«اللهوف علی قتل الطفوف» نوشته علی بن موسی بن جعفر بن محمّد بن طاووس حسینی معروف به سیّد بن طاووس متوفی به سال ۶۶۴ هجری قمری است؛ نویسنده ی کتاب در هنگام تألیف اسناد و سلسله روایات را حذف کرده است و هدف از تألیف آن را چنین بیان کرده است: «مهمترین علت نوشتن این کتاب این بود که وقتی کتاب «مصباح الزائر و جناح المسافر» را جمع آوری کردم، دیدم که شامل بهترین زیارت نامه ها و منتخب اعمال زیارتی است به طوری که هر کس این کتاب همراهش باشد، از برداشتن زیارتنامه های کوچک و بزرگ یا کتاب اعمال زیارتی دیگر بی نیاز است؛ همچنین دوست داشتم که حامل این کتاب مجبور نباشد کتاب مقتل زیارت عاشورا را در حرم امام حسین (ع) همراه داشته باشد. پس این کتاب را به ادامه ی آن اضافه کردم و هر چه را که مناسب با وقت کم زائران بود در آن جمع آوری کردم و از زیاده گویی و طولانی کردن دوری جستم و مطالب را مختصر آوردم. این کتاب مقدمه ای برای اندوهگین کردن زائران است و بهانه ایست برای رستگاری مومنان.» (ابن طاووس: ۱۳۸۶: ۲۳-۲۱)

متن عربی کتاب لهوف بارها در ایران و دیگر کشورها چاپ شده است. از این کتاب همچنین ترجمه های متعددی در دست است. از آن جمله کتاب «اهی سوزان بر مزار شهیدان» ترجمه سیّد احمد زنجانی، «زندگانی حضرت ابا عبدالله الحسین با ترجمه و شرح لهوف» توسط سیّد محمّد صفحی و «لهوف» ترجمه از سمیه عبدلی و...؛ این کتاب همچنین یک بار توسط مرحوم شیخ عباس قمی ترجمه شده که به چاپ نرسیده است.

به لحاظ ارزشیابی، کتاب لهوف جزو نسل دوّم مقاتل محسوب می شود چنان چه مقتل نویسی در دوره نخست که مربوط به پنج قرن اول اسلامی است از صحت و سلامت لازم برخوردارند، دوره دوّم به لحاظ این که از لحاظ زمانی از حادثه ی کربلا دور شده اند شاخ وبرگ های اضافی بر نهضت حسینی بسته اند و مطالب غیر مستند در آن ها رسوخ کرده است. شاید یکی از علل این دور شدن از واقعیت ها، استفاده نویسندگان این مقاتل از منابع غیر معتبر بوده است. کتاب لهوف جزو این دسته است؛ برای روشن شدن

مطلب به نمونه ایی از آن اشاره می شود. «ابوجعفر محمد بن جریر طبری در کتاب «دلایل امامت» روایت کرد. ابو محمد واقدی و زراره بن خلج گفتند: «ما حسین بن علی را پیش از آنکه به سوی عراق حرکت کند ملاقات کردیم و از ناپایداری مردم کوفه آگاهش کردیم و او را گفتیم که دل های آنان با اوست ولی شمشیرهایش روی او، آن حضرت چون سخن ما را شنید اشاره ایی به جانب آسمان کرد، درهای آسمان باز شد و آنقدر فرشته فرود آمد که شماره ایشان را جز خداوند کس نداند و فرمود، اگر نه این بود که چیزهایی به هم نزدیک شده و وقت مرگ فرارسیده است به یاری این فرشتگان با این مردم می جنگیدم، ولی من به یقین می دانم که قتلگاه من وقتلگاه اصحاب من آنجا است و به جز فرزندم علی کسی را نجات نیست.» (ابن طاووس: ۱۳۸۶: ۸۹)

حال باید پرسید مگر واقدی و زراره بن خلج دارای چه مقام الهی بودند که باز شدن درهای آسمان به رؤیت آنان رسیده است و فرود لشکری از فرشتگان را دیده و آن را توصیف کرده اند؟ آیا این گونه نقل ها به ارزش و اعتبار لهوف صدمه وارد نکرده است؟

در جای دیگری از کتاب لهوف آمده است: «راوی می گوید: وقتی زنان و فرزندان امام حسین (ع) از شام برگشتند در راه عراق رسیدند به راهنمای کاروان گفتند ما را از راه کربلا ببر، وقتی به محل درگیری و گلزار شهداء رسیدند جابر بن عبدالله انصاری را به همراه تعدادی از بنی هاشم و خاندان رسالت (ص) را دیدند که به قصد زیارت مرقد حسین (ع) به آنجا آمده بودند و دو کاروان هم زمان به هم رسیدند و با گریه و ناله و زاری با هم ملاقات کردند و عزا و ماتمی جگر سوز برپا کردند و زنان روستاهای اطراف به آن ها پیوستند و چند روز در آنجا عزاداری کردند.» (همان: ۲۷۹)

منشأ خبر ورود اسرا به کربلا در روز اربعین به نظر می رسد تنها لهوف سید بن طاووس باشد. بسیار جالب است که آن بزرگوار در کتاب دیگرش به نام الإقبال بالأعمال الحسنة که در اواخر عمرش نوشته است، آنچه را که در لهوف نوشته بود با صراحت انکار و رد می کند و با وضوح تمام می نویسد: «در مصباح یافتیم که حرم حسین علیه السلام همراه با مولایمان علی بن الحسین علیه السلام در روز بیستم صفر [روز اربعین] به شهر مدینه رسیدند و در غیر مصباح هست که آن ها همچنین در برگشتنشان از شام، روز بیستم صفر به کربلا رسیدند؛ اما هر دو قول، دور از عقل است؛ چرا که عیدالله بن زیاد در نامه ای ماجرا را گزارش داد و از وی درباره ی فرستادنشان به شام کسب اجازه کرد و آن ها را به شام نفرستاد مگر پس از آنکه جواب نامه را دریافت و این کار خود به تنهایی به بیست روز یا بیشتر از بیست روز نیاز دارد. از طرفی روایت داریم که آنان (خانواده ی امام حسین علیه السلام) پس از ورود به شام یک ماه در آنجا، در محل خرابه ای که آن ها را نه از گرما و نه از سرما حفظ می کرد، اقامت داشتند و صورت حال با این حساب اقتضا می کند که آنان بیشتر از چهل روز پس از شهادت امام علیه السلام در شام تأخیر کرده باشند تا پس از آن به عراق یا مدینه رسیده باشند. عبورشان هنگام برگشتن از کربلا امکان دارد اما این در روز بیستم صفر [اربعین] ممکن نمی شود؛ چرا که آنان بنابر آنچه روایت شده با جابر بن عبدالله انصاری اجتماع کردند. [او را بر سر مزار امام علیه السلام ملاقات کردند] و اگر جابر می خواست از مدینه به زیارت قبر امام علیه السلام برود، نیاز به این داشت که خبر شهادت امام علیه السلام به او برسد و خود این که جابر پس از اطلاع، از مدینه به کربلا بیاید بیشتر از چهل روز وقت می خواست. (ابن طاووس: ۱۴۱۶: ج ۳: ۱۰۱-۱۰۰)

سیدبن طاووس کتاب لهوف را در ایام جوانی نوشته است و هرگز در اتقان و اعتبار به پای کتاب های دیگرش که بعدها پس از تحصیل علوم و تکمیل معارف و مبانی نوشته است، نمی رسد. محدث نوری در این باره با شرح و توضیح کافی سخن گفته است که می توان مراجعه و مطالعه کرد. (نوری طبرسی: ۱۳۷۵: ۱۴۵-۱۴۴) با توجه به گفتار فوق و با توجه به ذکر اسناد و مدارک، کتاب لهوف نیز که از نسل دوم مقاتل محسوب می شود از اعتبار کافی برخوردار نیست. اما با این وجود در مقایسه با کتاب های مقاتل نسل سوم از درجه و اعتبار بیشتری برخوردار است.

ریاض الشهاده

مؤلف کتاب محمدحسن قزوینی شیرازی است. او کتاب را در سال های ۱۲۷۲ تا ۱۲۷۴ ق تألیف کرده است. این اثر در سه جلد تنظیم شده و جمعاً ۱۰۷۰ صفحه به صورت منثور و منظوم است. نویسنده ی ریاض با مرحوم قضایی مؤلف کتاب عمده المجالس معاصر بوده است و کتاب حدود هفت سال زودتر از عمده المجالس قضایی به نگارش در آمده است.

ریاض الشهاده به دلیل عدم ذکر اسناد روایت از لحاظ تاریخی هیچگونه ارزشی را نمی توان برای آن قائل شد. مؤلف عیناً از روضه ی کاشفی و المنتخب طریخی بهره گرفته است و محتوای آن کاملاً گویای این مطلب است. اشعاری در کتاب موجود است که شاعر آن معلوم نیست و به آن ها اشاره نشده است؛ هدف از تألیف آن، عزاداری و گریاندن مؤمنان است. به همین دلیل تحریفات بسیاری در آن به بهانه ی زبان حال به چشم می خورد.

مجالس المؤمنین

مجالس المؤمنین توسط قاضی سید نورالله شوشتری (۹۵۶ - ۱۰۱۹ ق) به نگارش در آمده است؛ سید معاصر باشیخ بهائی است و در اکبرآباد هند به جرم تشیع به شهادت رسیده است. (شوشتری: ۱۳۵۴: مقدمه) او مذهب خود را از مخالفین مخفی داشته است و طریق تقیه که روش آباء و اجداد گرامیش بوده، می پیموده است و به مسائل فقهی مذاهب چهارگانه اهل تسنن احاطه کامل داشت. (همان) مؤلف عمده منابع خویش را ذکر نموده و از نظر تاریخی می توان برآن ارزشی قائل شد. هر چند که در جاهایی از منابع ضعیف مانند روضه ی کاشفی استفاده نموده و یا این که بیان داشته است که در بعضی از روایات معتبره و یا روایت وارد شده مذکور است؛ به نظر می رسد کتاب مجالس المؤمنین در میان منابع متأخر که تعزیه نویسان میناب از آن استفاده کرده اند از ارزش بیشتری برخوردار است.

لسان الواعظین

لسان الواعظین نوشته ی حاج شیخ محمد علی النجفی الکاظمی (قرن ۱۳ ق) است. از نوشتار قضایی نتیجه می شود مؤلف هم دوره ی ایشان و ساکن کاظمین بوده و از متأخرین محسوب می شود؛ با توجه به این که اطلاعات مفیدی از ایشان و کتاب مورد نظر یافت نشد و نگارنده نتوانست به کتاب مورد نظر دست یابد ارزیابی و قضاوت درباره ی آن بسیار مشکل است.

جلاء العیون

کتاب جلاء العیون از مؤلفات محمدباقر مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۱) است. قدیمی ترین کتابت آن سال ۱۰۷۹ قمری است و به صورت نسخه ی خطی در بسیاری از کتابخانه ها از جمله کتابخانه ی مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه ی بزرگ آیت الله مرعشی نجفی، کتابخانه ی ملی جمهوری اسلامی ایران، کتابخانه ی دانشکده الهیات دانشگاه تهران و... وجود دارد.

کتاب به دلیل ذکر اخبار ضعیف و استفاده از منابع مخدوش و بیان نکردن بعضی از راویان از لحاظ تاریخی دارای اهمیت چندانی نیست؛ مرحوم مجلسی به دلیل مسلک اخباری گری، احادیث فراوانی را در کتاب ۱۱۰ جلدی بحار الانوار خویش فراهم آورده است و مسلماً بسیاری از احادیث آن از اعتبار کافی برخوردار نیست؛ ایشان گاهی از برخی کتاب ها حدیثی را نقل می کند که مورد اعتماد خودش نیست؛ به عنوان نمونه در جلد پنجاه و هفتم بحار الانوار حدیث غریبی از کتاب «جامع الاخبار» گزارش می نماید و سپس درباره ی آن می نویسد: «این حدیث را صاحب جامع الاخبار آورده است و من نیز آن را آوردم ولی اعتماد بر آن ندارم» (مجلسی: ۱۳۹۸: ج ۵۷: ۳۳۱)

باز هم در همان جلد خبر دیگری را از شیخ صدوق نقل می نماید و در پی آن می نویسد: «می گویم این خبر در نهایت غرابت است و من اعتماد بر آن ندارم. زیرا که از اصل معتبری گرفته نشده هر چند به شیخ صدوق رحمه الله نسبت داده شده است» (همان)

حال آن که یکی از منابع مهم جلاء العیون احادیث بحار الانوار است و دیگر لهوف سید بن طاووس و المنتخب طریحی است که پیش از آن اشاره رفت.

مؤلف در مقدمه ی جلاء العیون ادعا نموده است به ترجمه الفاظ روایات معتبره اقتصار نموده و غیر از احادیث معتبره افاضل محدثان امامیه رضوان الله علیهم چیزی نقل ننموده است و هدف از تألیف کتاب را کسب ثواب و محزون گردیدن و گریستن دانسته است. (مجلسی: ۱۳۷۵: ۲۲)

مجلسی (ره) به صراحت در مقدمه ی کتابش می نویسد که از منابع اهل سنت استفاده نکرده است و در این کار تلاش فراوان نموده است؛ اما ایشان به این مطلب اشاره نفرموده اند منابعی که از آنان بهره برده غالباً از منابعی هستند که از کتب و روایات اهل سنت حدیث نقل کرده اند. حتی در میان منابع او تاریخ طبری نیز دیده می شود که در سنی بودن وی جای شبهه نیست.

در اینجا قصد بر آن نیست که گفته شود نباید از منابع اهل سنت حدیث یا روایت تاریخی نقل کرد. چرا که بیشتر منابع تاریخی جهان اسلام از مأخذ اهل سنت است؛ بلکه هدف آن است که روشن شود مجلسی در این خصوص توفیق یافته است یا نه؟

اگر به منابع جلاء العیون مراجعه شود به کثرت می توان در آن ها از احادیث و روایات اهل سنت یافت که مأخذ نقل آنان را تشکیل داده است؛ مهمترین منابع جلاء العیون عبارتند از: بحار الانوار مجلسی، ارشاد شیخ مفید، امالی شیخ صدوق، مناقب ابن شهر آشوب، لهوف سید بن طاووس، مشیر الاحزان از ابن نما حلی و مقاتل الطالبیین ابوالفرج اصفهانی؛ آنچه که از نوشتار ابن شهر آشوب در مقدمه ی کتابش فهمیده می شود انگیزه اش بیان فضائل ائمه و معصومین علیه السلام از زبان اهل سنت است. (ابن شهر آشوب: بی تا: مقدمه) دیگر بزرگان نیز از منابع اهل سنت بی بهره نبوده اند.

سید محسن امین عاملی صاحب کتاب ارزشمند اعیان الشیعه درباره ی مولفات مجلسی نوشته است: «مخفی نماند که آنچه (مجلسی) تألیف نموده به پاکسازی و ترتیب نیازمنداست، چرا که نادرست و درست را در بردارد و بسیاری از توضیحات و تفسیرهایش درباره احادیث و جز اینها از روی شتاب صورت گرفته و موجب کمی فائده و افتادن در اشتباه شده است.» (امین: ۱۴۰۰: ج ۹: ۱۸۳)

حُزْنُ الْمُؤْمِنِينَ

مؤلف کتاب محمد علی خوانساری است. به لحاظ ذکر نکردن منابع و اسناد از درجه و اعتبار علمی برخوردار نیست و نمی توان آن را یک کتاب تاریخی قلمداد کرد؛ کتاب حُزْنُ الْمُؤْمِنِينَ شباهت بسیار زیادی با کتاب عمده المجالس قضایی دارد. با این تفاوت که اشعار عمده المجالس از خود قضایی است، اما نویسنده ی حُزْنُ الْمُؤْمِنِينَ، اشعار شاعران را با ذکر تخلص آنان ذکر کرده است که عبارتند از: جوهری، صبا، مقبل، وصال، راجی، نظم، هادی، نقی، رجن، وله.

شاعرانی که مرحوم خوانساری در کتاب خویش از اشعار آنان آورده است، غالباً از لحاظ تاریخی اعتباری بر آنان مترتب نیست، چنان چه درباره ی جوهری پیش از این سخن رفت.

یکی دیگر از این شاعران، شاعر درباری فتحعلی شاه به نام فتحعلی خان کاشانی متخلص به صباست و به ملک الشعرا ی صبا معروف است. او پسر آقا محمد از خانواده های قدیمی کاشان است. اکثر افراد این خانواده خدمات دولتی داشته اند. تاریخ ولادت او بدرستی معلوم نیست، اما او در کاشان به دنیا آمد و در آنجا بزرگ شد. صبا در سال ۱۲۸۳ ق در تهران در گذشت؛ (بهار: بی تا: مقدمه) نوشته ی صاحب فارسی نامه نیز تأیید می کند که فتحعلی خان (صبا) مداح زندیان بوده است. (حسینی فسائی: ۲۳۱: ۱۳۸۲) مقبل نیز یکی از شاعرانی است که صاحب حُزْنُ الْمُؤْمِنِينَ از اشعار او در کتاب خویش آورده است. نام او محمد شیخا بوده و در کاشان مدفون است. او نیز شاعری در باری بوده و برای خوش آمد آنان شعر می گفته است.

به نظر می رسد کتاب حُزْنُ الْمُؤْمِنِينَ در قرن سیزدهم قمری به نگارش در آمده است و در سال ۱۲۸۷ ق در انتشارات در الخلاقه تهران به چاپ سنگی رسیده است؛ چنان چه از نام کتاب پیداست انگیزه ی مؤلف آن بوده است که از تألیف او مردم به غم و اندوه بیفتند و جهت گریاندن مردم اقدام به نوشتن کتاب نموده است و در این راه از کتبی که در این زمینه بوده، اقتباس نموده است.

نتیجه گیری

آنچه که از مقاله ی حاضر نتیجه می شود آن است که مهم ترین منبع تعزیه ی کنونی میناب و به طور کلی هرمزگان، کتاب عمده المجالس من کلام قضایی است. ایشان از نویسندگان متأخر که بسیاری از آنان به دوران خودش نزدیک یا با او معاصر بوده اند، استفاده برده است. منابعی که قضایی و دیگر تعزیه سرایان میناب از آن بهره برده اند با توجه به اظهار نظر محققین بزرگ از نظر تاریخی ضعیف و بی پشتوانه می باشند. برخی نیز داستانی بوده و افسانه پردازی نموده و به واقعه ی عاشورا شاخ و برگ داده اند. نمونه بارز آن روضه ی کاشفی است که دارای نثری جذاب و

دلنشین است. اما متأسفانه کمتر به واقعیات تاریخی توجه داشته و از این راه تحریفات فراوانی وارد اشعار تعزیه شده است؛ بی توجهی به وجود تحریف در تعزیه صدمات جدی به فرهنگ عاشورا وارد نموده و اهداف نهضت حسینی را به مقدار زیاد به فراموشی سپرده است.

پی نویسی ها

«مجلس بیست و ششم از کتاب عمده المجالس قضایی علیایی در بیان وداع سید الشهداء و دامادی قاسم به روایت صاحب اسرارالشهاده و جناب شیخ فخرالدین طریحی و ملاحسین کاشفی و حاج محمد حسن بن حاج محمد معصوم که در ریاض الشهاده آورده است، اگرچه آخوندمجلسی نیاورده است و فرموده که در کتب معتبره به نظر من نرسیده است. الله علم». (قضایی، ابتدای مجلس ۲۶)

«مجلس دهم [دوم] از کتاب عمده المجالس شام وفات زبیده خاتون دختر سیدالشهداء است به روایت جوهری صاحب طوفان البکا من کلام حسین علی بن عبدالله المتخلص به قضایی علیایی مینایی». (همان، ابتدای مجلس وفات زبیده خاتون)

«مجلس نوزدهم شهادت هاشم بن عتبۀ بن ابی وقاص به روایت حاج مهدی نراقی صاحب محرق القلوب و در مجالس امیرالمؤمنین شوشتری دیده که شهادت هاشم در صفین بوده است». (همان، مجلس نوزدهم)

«مجلس شهادت وهب از روایت حاج مهدی نراقی صاحب محرق القلوب گفته شده و بعضی به روایت صاحب جلاء العیون که آخوندمجلسی باشد...» (همان، ابتدای مجلس شهادت وهب)

«شهادت مسلم بن عوسجه و عبدالله بن حسن به روایت امام باقر (ع) نقل از سیدبن طاووس». (همان، ابتدای مجلس شهادت مسلم بن عوسجه و عبدالله بن حسن)

«مجلس ششم از عمده المجالس قضایی بیرون آوردن ابن زیاد از زندان به روایت صاحب ریاض من کلام قضایی المینایی علیایی» (همان، مجلس بیرون آوردن ابن زیاد از زندان)

«مجلس سیم [سوم] از کتاب عمده المجالس حکایت محاربه کردن اهل مرو با مأمون الرشید آید بروایت جناب سیدنورالله شوشتری صاحب کتاب مجالس المؤمنین من کلام قضایی حزین گوشه نشین». (همان، مجلس سوم از مجالس شام)

«مجلس سیم [۳۰] از کتاب عمده المجالس از مجلس شام محنت انجام من کلام محرزہ حسین علی بن عبدالله المنصف شهید شدن غلام نوبی است به روایت جناب الشیخ محمد علی النجفی ساکن کاظمین علیهما السلام که صاحب لسان الواعظین است طول الله بقاه العالی». (همان، ابتدای مجلس شهید شدن غلام نوبی)

«هاتف صدازدن به روایت آخوند مجلسی علیه الرحمه» (همان، مجلس هاتف صدا زدن)

«مجلس بیست و دوم از کتاب عمده المجالس قضایی در بیان نماز کردن امام و شهید شدن هلال بن حجاج و ابو تمامه سایدی و بعضی از اصحاب است به روایت آخوند مجلسی». (همان، ابتدای مجلس بیست و دوم)

«به روایت صاحب کتاب حزن المومنین این دو طفل از زینب خاتون بوده لکن اسم ایشان ذکر نکرده است و لکن آخوند مجلسی علیه الرحمه والغفران اسم ایشان را ذکر کرده که عون و محمد بود و عبدالله جعفر به دلیل بیماری که داشت در رکاب سعادت مآب جناب سیدالشهداء نبود و اتمام یافت این مجلس روز یکشنبه ۱۵ شهر ذیحجه الحرام سنه ۱۲۸۰ من کلام قضایی [۱] اول احتیاط داشتم که گاه باشد این دو طفل از زینب خاتون نباشد توقف نمودم تا این که در حزن المومنین مطالعه کردم دیدم که مادرشان زینب خاتون بوده است چون مطلع شدم اهتمام ورزیدم به درست نمودن این مجلس که احدی نکته نگیرد [۱]؛ چرا که این زمان عرفا هستند برعکس پیشتر و السلام». (همان، پایان مجلس بیست و پنجم)

منابع و مأخذ

- ۱- ابن طاووس، سیدرضی الدین علی (۱۳۸۶ش)، لهوف (ترجمه سمیه عبدلی)، قم: قلم جوان، چ سوم.
- ۲- ابن طاووس، سیدرضی الدین علی (۱۴۱۶ ق)، الإقبال بالأعمال الحسنة، تحقیق جواد قیومی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چ اول.
- ۳- ابن شهر آشوب مازندرانی، ابوجعفر رشیدالدین محمد بن علی، بی تا، مناقب آل ابی طالب، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، قم: انتشارات علامه.
- ۴- افندی، میرزا عبدالله (۱۴۰۱ق)، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، تصحیح احمد اشکوری حسینی، قم: کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی.
- ۵- اشراقی، میرزا محمد (۱۳۷۹ش)، الأربعین الحسینیة، تهران: اسوه، چ دوم.
- ۶- امین عاملی، سید محسن، ۱۴۰۰ ق، اعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف، ج ۶، چ اول.
- ۷- بی تا، بی تا، مجمل التواریخ و القصص، تحقیق ملک الشعراء بهار، تهران: گلاله خاور.
- ۸- تنکابنی، میرزا محمد (۱۳۸۶)، قصص العلماء، به کوشش محمد رضا برزگر و عفت کرباسی، تهران: گلاله خاور.
- ۹- تهرانی، آقا بزرگ، بی تا، الذریعة الی تصانیف الشیعه، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ۱۰- جعفریان، رسول (۱۳۸۶ ش)، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام، قم: انصاریان، چ اول.
- ۱۱- جوهری، محمد بن ابراهیم المروی، ۱۳۰۰ق، طوفان البکاء، بی جا، بی نا.
- ۱۲- حسینی خوانساری، سید احمد (۱۴۱۱ق)، کشف الاستار، قم: موسسه آل البیت، ج ۳.
- ۱۳- حسینی فسائی، حسن (۱۳۸۲ش)، فارسنامه ناصری، تصحیح منصور رستگار فسائی، تهران: امیرکبیر، چ سوم.
- ۱۴- خواندمیر، غیاث الدین بن هماد الدین الحسینی (۱۳۶۲ش)، حبیب السیر، تهران: کتابفروشی خیام
- ۱۵- شوشتری، نورالله (۱۳۵۴ش)، مجالس المؤمنین، تهران: کتابفروشی اسلامیة، چ سوم.
- ۱۶- فاضل دربندی، آقا بن عابد، بی تا، اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات، تهران: منشورات اعلمی.
- ۱۷- قضایای علیایی مینابی، حسین علی، عمدة المجالس من کلام قضایای علیایی، نسخه ی خطی وقف شده به حسینیة ی روستای نصیرایی میناب.
- ۱۸- کریمی حاجی خادمی، عباس (۱۳۸۹)، تطبیق تعزیه عاشورایی میناب با تاریخ اولیة ی اسلام، قم: موعود اسلام، چ اول.
- ۱۹- مجلسی، محمد باقر (۱۳۷۵ش)، جلاء العیون، قم: سرور، چ سوم.
- ۲۰- مجلسی، محمد باقر (۱۳۹۸ق)، بحار الانوار، تهران: مکتبۃ الاسلامیة، چ سوم.
- ۲۱- مدرسی تبریزی، محمد علی (۱۳۲۸ش)، ریحانة الأدب، تهران: شرکت سهامی طبع کتاب، ج ۲.
- ۲۲- مطهری، مرتضی (۱۳۶۴ش)، حماسه حسینی، تهران: انتشارات صدرا، ج ۱، چ چهارم.
- ۲۳- موسوی مفرّم، عبدالرزاق (۱۳۹۹ق)، مقتل الحسین علیه السلام، بیروت: دارالکتب الاسلامی.
- ۲۴- نراقی، مهدی، بی تا، محرق القلوب، نسخه خطی موجود در کتابخانه عمومی ایت الله مرعشی در قم به شماره ۱۰۰۶۹.
- ۲۵- نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۳۷۵ش)، لؤلؤ و مرجان، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چ اول.
- ۲۶- واعظ کاشفی، حسین (۱۳۴۱ش)، روضة الشهداء، تهران: گلاله خاور.